به یاد فریدون توللی: فریدون توللی در آینده

افشار، ایرج

فریدون توللی،سخنسرای نامور ایران درگذشت و دوستداران‏ ادب فارسی را سوکی دیگر دررسید.«آینده»این شماره را،به یاد «فریدون»و نه نام او،با همکاری چند تن از دوستان آن شاعر فراهم‏ ساخت تا نوشته‏هایی چند برای سنجش پایگاه ادبی او در دست همگان‏ باشد.

فریدون از روزی که قطعات شعری دلپذیر و آثار نثری سیاسی‏ خویش را در روزنامه‏های شیراز و پس از آن در تهران به چاپ‏ می‏رسانید توانائی خود را در قلمرو ادب معاصر نموده و بسیاری را بدان مسحور کرد.آنچه هنر او را بیشتر جلوه‏گر می‏ساخت تازگی‏ و نوآوری اسلوب بود که در نثر ادبی و شعر عاطفی او به چشم می‏خورد و از همان‏گاه سخنش بر دلها نشست و پیش خویش و بیگانه زبانزد گشت.

ناقدان سخن و دوستان او در مقاله‏هایی که نوشته‏اند و آینده‏ چاپ کرده است،هریک بر پایهء مشرب و ذوق یا در یافت و برداشت خود بدان نکته‏های و مرحله‏ها پرداخته و مقام و منزلت شاعر را بازگو کرده‏اند.طبیعی است مدافع هر نوشته نویسندهء آن است و مجلهء آینده‏ درین راه عرضه‏کنندهء آراء و عقاید.منظور اساسی ما آنست که‏ پژوهندگان تاریخ ادبی ایران در آینده،به نوشته‏های معتبر و استناد شدنی دسترسی داشته باشند.

فریدون توللی دو دوره زندگی داشت:یکی دورهء جنبش‏ سیاسی همراه نوآوری در شعر بود و دیگر دورهء کناره‏گیری از جامعه‏ و بازگشت به سنت شعر فارسی.در دورهء اول چون مردی سیاسی بود و تندرو بود،جلوه‏های نمود و پیروان و مقلدان توانا و ناتوان یافت و طبعا بهمین علت در شعر روزگار خویش اثری بی‏چون‏وچرا گذاشت. بقول خودش،شعرش«زمان‏ناپذیر»بود نه«زمان‏پذیر».به سخن‏ دیگر اگر مرد سیاست نشده و به میدان اجتماع در نیفتاده بود حتما شعرش از چنان شهرتی برخورداری نداشت و آن‏چنان تأثیرگذار نبود.

در دورهء دوم که اوضاع سیاسی ایران چهرهء درهم‏گرفته یافت‏ و«جریده روی»و«برکناری»راه سلامت بود،توللی هم پس از رنجهای بیشمار که از کوشش سیاسی برده و سختیهای خردکننده که‏ حکومت بر او وارد ساخته بود به گوشه‏ای خزید و در را به مصلحت‏ بر خود فرو بست و در شعر و هنر راهی دیگر برگزید،راهی که پسند خاطر هنرشناسش در خلوت و عزلت بود،اگرچه دیگران را دلپسند نمی‏افتاد و موجب طعنه‏ها بر او شده بود.

بیگمان توللی در هردو دوره از ارزشهای هنری والا برخوردار است.هم نوآوری او در شعر پذیرفتنی و پژوهش‏شدنی است و هم‏ بازگشتن او به سنت شعری سزاوار سنجش و نگرش و یافتن راه تأویل‏ در چگونگی آن.

\*\*\* باید گفت که آوازهء دورهء اول شعر توللی از سطور روزنامه‏ها و مجله‏های و جنگهای فارسی ایران به صفحهء کتابها و مقاله‏های‏ ایرانشناسی اروپا و کشورهای دیگر رسیده است.همه نویسندگان‏ خارجی که بحث از ادبیات معاصر ایران میدان سخن آنهاست به شعر توللی و تأثیر ادبی او در شعر نو ایران و افغانستان اشاره‏ها دارند. هیچ‏یک از آنها نام او را از یاد نبرده است.

«آینده»برای‏آنکه شمارهء ویژه توللی تا حد ممکن برآورندهء مقصود باشد،هم از دوستان و یاران ادبی او و هم از ناقدان شعر و سخن و حتی اس کسانی که ممکن بود یکسره قلم بطلان بر مقام شعری او در دورهء دوم شاعریش بکشند خواستار نگارش مقاله شد.چند تن از دوستان و یاران او مقالات خود را لطف کردند.

بهترین میزان و معیار در شناخت و سنجش آثار یک شاعر برجسته و پی بردن بر دگرگونیهای روحی و عاطفی و اجتماعی او، همانا شعر اوست.بدین‏منظور«آینده»چند شعر توللی را که از دوره‏ های زندگی او و به سبکهای متفاوت است برگزیده و درین شماره‏ به چاپ رسانیده است.جزین نقل آخرین اظهار عقیدهء او را دربارهء شعر-که پانزده سال پیش از مرگ بیان داشته است-سودمند دانستیم تا خوانندگان چکیدهء آراء شعری آن سخنور پرمایه را از زبان ناقدانهء خودش در دست داشته باشند و ذوب یاب شوند.

\*\*\* اختصاص یافتن دو شماره از مجله به توللی بهیچ‏روی برای‏ دفاع از زندگانی و کارهای سیاسی او نیست.آینده چنین هدفی و آیینی ندارد.اما چون او سخنور استادی بود باید شعرا او را شناخت‏ و مقامش را در پهنهء ادبیات فارسی نشان داد و مضامین و افکاری را که در شعرش جا گرفته است برشکافت.بدین‏منظور باید به روزگار و زمان و کارهای او نگریست.پس چند تن از نویسندگان وقایع و جریانهای سیاسی گذشته را هم در مقالهء خود مطرح ساخته‏اند تا بتوانند روحیه و رفتار توللی را چنانکه دریافته‏اند بنمایانند.مجلهء آینده فقط عرضه‏کنندهء آنهاست.«آینده»منحصرا مدافع نظری است که خود در سطور پیشین نوشته است.

چون مقالات متعدد و بعضی مفصل بود و صفحات مجله محدود، ناگزیر بعضی از نوشته‏ها را به‏اختصار آوده‏ایم.